



## بررسی رویکرد دوگانه آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در آموزش عالی

ناهید عسگری<sup>۱</sup>

غلامرضا ایزدپناه<sup>۲</sup>

### چکیده

توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در شرایط کنونی برای اقتصاد و فرهنگ ایران و به‌ویژه شتاب‌دهی به فرایند تولید، امری حیاتی است؛ زیرا سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و افزایش ابزار و تجهیزات و به‌طور کلی سرمایه‌فیزیکی بدون سرمایه انسانی بلااستفاده مانده و یا به نحو اقتصادی و کارآمد مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد. در این میان نقش آموزش‌های ارائه‌شده از سوی مراکز فنی و حرفه‌ای در تخصص فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در بازار کار را بهتر می‌توان لمس کرد. فارغ‌التحصیلانی که یا آموزش‌های داده‌شده به آن‌ها از کیفیت کافی برخوردار نبوده است و یا این آموزش‌ها متناسب با بازار کار نمی‌باشد. از این‌رو؛ هدف از این تحقیق بررسی رویکرد دوگانه آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در آموزش عالی بود. در واقع این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به سؤال چرایی به وجود آمدن رویکرد دوگانه در آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در میان فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و کشف عناصر مهم در آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و بازار کار بود. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی-تحلیلی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای/اسنادی است. بدین ترتیب که ابتدا با بررسی اسناد فرادستی و متون مرتبط به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و رابطه آن با عملکرد فارغ‌التحصیلان آموزش عالی در بازار کار، چارچوب نظری منسجمی طراحی و سپس عناصر کلیدی بازار کار که شامل مدرک، تخصص، دانشگاه و مراکز فنی و حرفه‌ای و عناصر کلیدی آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای که شامل آموزش‌های نظری، آموزش‌های عملی، نیازهای بازار کار و نیازهای دانشجویان بود شناسایی و مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

**واژگان کلیدی:** رویکرد دوگانه، مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی.

1- نویسنده مسئول - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور استان تهران، واحد ری Na.asgari2010@gmail.com

2- کارشناس ارشد کشاورزی، دانشگاه آزاد بروجرد Izadpanah51@yahoo.com

## مقدمه

ظهور اقتصاد دانش‌محور<sup>1</sup> در کشورهای صنعتی در دهه‌های آخر قرن گذشته و به دنبال آن در برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین نشان داد که سرمایه انسانی<sup>2</sup> نقشی محوری در توفیق این کشورها برای ورود به اقتصاد جدید ایفاء نموده است (بانک جهانی: 2002؛ به نقل از سلیمی فر و مرتضوی، 1384). به علاوه می‌توان گفت که آموزش-های فنی و حرفه‌ای<sup>3</sup> به دلیل توأم نمودن آموزش‌های نظری و عملی از توانایی زیادی در تشکیل سرمایه انسانی و تربیت کارگر دانش‌مدار<sup>4</sup> برخوردار می‌باشند.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر موردنیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده‌دار تربیت نیروی کار موردنیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها می‌باشند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌نمایند. به علاوه، این آموزش‌ها راه میان‌بری در مسیر تربیت نیروی انسانی نیز به شمار می‌روند، چراکه از یک سو با توجه به بهره‌مندی این آموزش‌ها از مبانی علمی و استفاده از روش‌های پذیرفته‌شده آموزش‌های کلاسیک راه خود را از یادگیری بر مبنای تجربه عملی جدا کرده و از این طریق راه درازمدت و غیرعلمی این نوع فراگیری را کوتاه نموده و این توانایی را در آموزش‌دیده فراهم می‌کنند تا بتواند خود را در مقابل تغییرات تکنولوژیکی به آسانی هماهنگ نماید. از سوی دیگر این آموزش‌ها با توأم نمودن آموزش‌های نظری و عملی این امکان را برای آموزش‌دیده فراهم می‌نمایند که همسویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته و از این طریق امکان بیشتری برای جذب آن‌ها در فعالیتهای اقتصادی-اجتماعی فراهم گردد (همان).

این آموزش‌ها همچنین از مزیت بازدهی در کوتاه‌مدت و یا میان‌مدت برخوردار می‌باشند. درحالی‌که آموزش‌های کلاسیک به دلیل هزینه بالا، طولانی بودن دوره آموزش، سهم زیاد آموزش‌های نظری در آن‌ها و در نتیجه بهره‌مندی اندک از عملیات کارگاهی، از جهت هماهنگی با نیازهای بازار کار و لذا جذب در آن دچار مشکل می‌باشند. به همین دلیل کشورهای جهان توجه روزافزونی را به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مبذول داشته‌اند، به طوری‌که این آموزش‌ها حتی به درون سیستم آموزش‌های آکادمیک این کشورها نیز نفوذ کرده است (پراوین و یزاریا، 2003).

مزیت‌هایی که برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مورد اشاره قرار گرفت منوط به وجود برخی شرایط در ارائه این آموزش‌ها می‌باشد که از آن جمله می‌توان به ضرورت برنامه‌ریزی مدون برای این آموزش‌ها، برخورداری از امکانات و تجهیزات کارگاهی مناسب، انتخاب کارآموزان بر اساس توانایی‌های عمومی و انگیزه‌های قوی، استفاده از مربیان مجرب و علاقه‌مند، سهم مناسب آموزش‌های عملی و نظری در این دوره‌ها و طراحی زمان مناسب برای هر یک از دوره‌ها اشاره نمود. به‌عزم (انتظاریان و طهماسبی، 1390)، بین سازمان‌های فنی و حرفه‌ای و نظام آموزش عالی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. آموزش عالی کشورمان به‌عنوان سازمانی که دانشجویان را در حوزه‌ای متخصص ساخته و وارد بازار کار می‌کند از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. متخصص ساختن افراد و تربیت آن‌ها برای تصدی پست‌هایی در جامعه زمانی کارا تر می‌شود که بین سازمان‌های فنی و حرفه‌ای و نظام آموزش عالی ارتباط قوی وجود داشته باشد. در حال حاضر چیزی که شاهد آن هستیم عدم ارتباط بین سازمان‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی است. این عدم ارتباط می‌تواند تبعات زیادی

---

1-Knowledge base Economy

2-Human Capital.

3-Vocational and Technical Eduactions

4- Knowledge-Worker.

5- ایجاد رشته‌های کار و دانش، هنرستان‌های هنری و فنی در کشورمان و توأم نمودن آموزش‌های نظری و عملی در کشورهایی مانند:

کوبا، چین و هند از جمله اثرات آموزش‌های فنی-حرفه ای بر آموزش‌های کلاسیک در این کشورها می‌باشد.

برای جامعه (در مفهوم عام) و دانشجویان (در مفهوم خاص) داشته باشد. از جمله مهم‌ترین این تبعات عدم تخصص دانشجویان (به‌ویژه در رشته‌هایی مانند برق، مهندسی عمران، نقشه‌کشی، اعم رشته‌های کار و دانش و...) و روانه ساختن آن‌ها به بازار کار بدون فراگیری تخصص است. به بیان دقیق‌تر در کشورمان، بین نظام آموزش عالی و سازمان‌های فنی و حرفه‌ای هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی ارتباط منطقی وجود ندارد. پژوهش حاضر به این مسأله اساسی می‌پردازد که شکاف بین سازمان‌های فنی و حرفه‌ای و نظام آموزش عالی را مورد بررسی قرار داده و رویکرد دوگانه‌ای که سازمان‌های فنی و حرفه‌ای در آموزش عالی پیش گرفته‌اند متوقف شود. منظور از دوگانه بودن رویکرد سازمان‌های فنی و حرفه‌ای این است که یا آموزش‌های ارائه‌شده به فارغ‌التحصیلان از کیفیت مناسب برخوردار نمی‌باشند و یا اینکه مهارت‌های ارائه‌شده مطابق با نیازهای بازار کار نیست.

### مبانی نظری تحقیق

سازمان فنی و حرفه‌ای کشور به‌عنوان مهم‌ترین مرکز آموزش مهارت و حرفه‌های شغلی، تأثیر بسیار شگرفی در کمک به حل اشتغال افراد جویای کار و تقویت بنیادهای استاندارد شغلی جامعه خواهد داشت. در این راستا توجه به آموزش‌های با کیفیت و مورد پذیرش کارفرمایان کشور به‌گونه‌ای که نیروی تربیت‌یافته مهارت‌های لازم و استاندارد مهارت شغلی بازار کار را فرا گرفته باشد، همچنین استفاده از توان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در توسعه کارگاه‌ها و استانداردهای آموزشی به روز و کارآمد و به مشارکت درآوردن ساختار کارفرمایان صنعت و کشاورزی در جهت تقویت کارگاه‌های فنی و مهارتی مراکز فنی و حرفه‌ای کشور می‌بایست از نکات قابل توجه مسئولان دولت قرار گیرد.

در دهه اخیر؛ علی‌رغم تلاش‌های وافر مسئولان و دست‌اندرکاران، این سازمان به دلایل عمده زیر با چالش‌های زیادی مواجه بوده است:

۱- افزایش بی‌رویه مراکز فنی و حرفه‌ای در استان‌ها (افزایش آمار 300 مرکز آموزش دولتی به ۷۰۰ مرکز آموزشی دولتی) به دور از توجه به آمایش سرزمینی شامل:

الف) توجه به آمارهای رشد جمعیت و جوانان جویای کار آن منطقه؛

ب) نیازهای بومی و محلی و نیازهای منطقه‌ای و ملی به مشاغل و حرفه‌ها متناسب با امکانات و برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی کلان کشور؛

ج) عدم توجه به دسترسی‌های جوانان به مراکز احداثی از حیث جغرافیایی و ایاب و ذهاب؛

د) عدم توجه به نیازهای جنسیتی و...؛

2- عدم توجه به چگونگی امکان به روز نگهداری کارگاه‌ها و تجهیزات فنی این مراکز در عصری که تکنولوژی‌ها و روش‌ها به سرعت قابل تغییر می‌باشد و تغییر و تبدیل تجهیزات در هر مرحله اعتبارات قابل توجهی نیاز دارد.

۳- عدم توجه به چگونگی تأمین اعتبارات و منابع انسانی متخصص مورد نیاز جهت مدیریت، برنامه‌ریزی و اساتید آموزشی کارآموزان جهت آموزش کارآموزان متخصص.

۴- تقویت روحیه مدرک‌گرایی بیش از مهارت‌آموزی.

۵- بی‌رقبتهی جوانان به فراگرفتن مهارت و حرفه به دلیل مشکلات اقتصادی و رشد آمار بیکاری و کاهش فرصت‌های شغلی در جامعه.

۶- عدم انگیزه مطلوب جهت سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در این حوزه و رکود بیش‌ازحد در آموزشگاه‌های خصوصی تابعه.

۷- ورود دستگاه‌های متعدد و دخالت در حوزه مهارت‌آموزی (سلیمی فر و مرتضوی، 1384).

## سیر تکوینی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

اولین قدم در جهت حمایت از آموزش فنی و حرفه‌ای در ایالات متحده امریکا با تصویب قانونی در سال 1917 میلادی برداشته شده که طبق آن برنامه آموزشی به حکومت مرکزی محول گردید و بودجه لازم جهت ارائه آموزش‌های کشاورزی، بازرگانی، اقتصاد خانواده و صنعتی تأمین گردید. پس از آن مدارس حرفه‌ای فراوانی تأسیس شد. در کشورهای فرانسه و انگلستان نیز اقدامات مشابهی در جهت توسعه آموزش حرفه‌ای صورت گرفت. در فاصله بین دو جنگ جهانی اول و دوم تلاشی برای پیوند بیشتر آموزش و پرورش و آموزش عالی با نیازهای زندگی جدید، منجر به گسترش بیش از پیش آموزش فنی و حرفه‌ای در بسیاری از کشورهای جهان شد.

پس از جنگ جهانی دوم، با پیشرفت‌های علمی و فنی بعد از جنگ و نیاز روزافزون جوامع به نیروهای ماهر و متخصص، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز گسترش بی‌سابقه‌ای یافت، اما تحولات در این زمینه در کشورهای مختلف متفاوت بود. تحولات گسترده و سریع در علوم و تکنولوژی و نقش آموزش فنی و حرفه‌ای در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع در کشورهای مختلف موجب شد که در سال 1987 میلادی، مرکز جهانی علمی و فنی و فرهنگی (یونسکو) اقدام به تشکیل کنگره‌ای در مورد آموزش فنی و حرفه‌ای نماید. طبق آمارهای ارائه شده در این کنگره، در دهه‌های گذشته بسیاری از کشورها به منظور توسعه و احیای آموزش فنی و حرفه‌ای، قوانین و مقررات ویژه‌ای را وضع نمودند. این اقدامات با تغییر برنامه‌ها، روش‌ها و افزایش بودجه همراه بوده است (بانک جهانی، 2001).

## وضعیت و جایگاه کنونی تربیت حرفه‌ای در نظام آموزشی ایران

در اولین سال‌های پس از انقلاب حرکت‌هایی در جهت توسعه کمی و کیفی تربیت حرفه‌ای انجام گرفت، طرح جامع آموزش فنی و حرفه‌ای به منظور تربیت نیروی انسانی، ایجاد و گسترش هنرستان‌های جوار کارخانه‌ای و گنجانیدن دوره‌ی کارآموزی به عنوان واحد درسی در هنرستان‌ها، از آن جمله بود. مهم‌ترین اقدام در این ایام، تغییر نظام آموزش متوسطه بود که از سال 1371 به تدریج در کشور به اجرا درآمد. در طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران و در اصل چهل تحت عنوان «توجه به آموزش فنی و حرفه‌ای» ضرورت در نظر گرفتن این نوع آموزش به منظور نیل به خودکفایی و قطع وابستگی مورد تأکید قرار گرفته، در بخشی از آن (ص 67) آمده است:

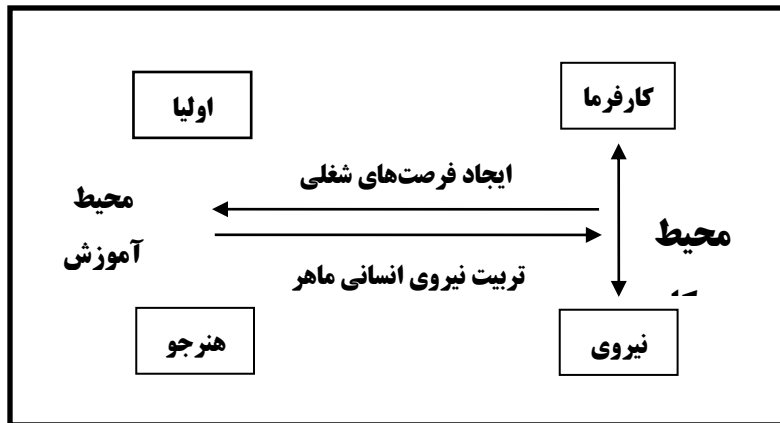
- هدایت، سازمان‌دهی و ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید به همراه آموزش‌های نظری و علمی توسط مدیریت واحد اجرا گردد و همواره هم‌ترازی ارزش و اعتبار آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با سایر آموزش‌ها حفظ گردد.

- ادامه تحصیل برای کلیه رشته‌ها تا بالاترین سطح میسر باشد.

- آموزش‌های نظری و فنی و حرفه‌ای در هر رشته به گونه‌ای مناسب تلفیق شوند تا برحسب انتخاب دانش‌آموز و استعداد و توانایی و کوشش وی و نیاز کشور انتخاب مسیر ادامه تحصیل یا اشتغال به کار برای دانش‌آموزان فراهم گردد (آیین‌نامه آموزشی، 1379).

## ارتباط آموزش (مهارت‌های فنی و حرفه‌ای) با بازار کار

دنیای کار و مؤسسات آموزشی (به ویژه دانشگاه‌ها) بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. از یک طرف مؤسسات صنعتی و تولیدی و خدماتی فرصت‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزشی (به ویژه دانشگاه‌ها) فراهم می‌آورند و از طرف دیگر مؤسسات آموزشی نیروی انسانی ماهر مورد نیاز آن‌ها را تربیت می‌کنند، در هر طرف گروه‌های مرتبطی قرار دارند که می‌توانند این ارتباط را به وجود آورند و آن را حفظ کنند. کارفرمایان، مدیران و کارکنان بخش‌های اقتصادی، در فضای کار و مدیران آموزشی، مربیان و هنر جوینان در فضای آموزشی (خلاق، 1381). نمودار شماره 1 این ارتباط را بهتر نشان می‌دهد.



(به نقل از: خلاق، 1381)

این تعامل می‌تواند به‌طور مؤثرتری از طریق پاسخ‌گویی محتوای برنامه‌های درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به نیازهای صنعت و خدمات از سوی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و مشارکت بخش خصوصی و دولتی در تدوین ساختار و برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای و سرمایه‌گذاری در آن از سوی کارفرمایان ایجاد شود و پلی بین آموزش و کار به وجود آورد (خلاق، 1381).

با این وجود، بین محیط آموزشگاهی و محیط کار و فرهنگ، نگرش مدیران آن‌ها تفاوت‌های اساسی وجود دارد که برقراری ارتباط مستقیم بین مدیران آموزشی با دشواری مواجه می‌کند از جمله:

- تفاوت در شیوه مدیریت و نگرش مدیران این دو گروه نسبت به مسائل جاری و آموزشی ناشی از ماهیت متفاوت محیط آموزشی و محیط کار.
- تأثیر این ارتباط بر محصولات نظام آموزشی به‌ویژه از نظر تربیتی با توجه به حساسیت اولیا نسبت به فرزندان خود که به نوبه خود افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- اشتغال کاری زیاد مدیران هر دو گروه و کمبود وقت برای برقراری ارتباط مستقیم و مستمر به‌عنوان یک وظیفه جدید که مانع ایجاد انگیزه برای صرف وقت در این زمینه می‌شود (خلاق، 1382).

از این رو ضرورت برقراری ارتباط دوطرفه بین محیط کار و آموزش در قالب اصلاحات آموزشی (به‌گونه‌ای که بتواند از یکسو نیروی کار را متناسب با نیازهای بازار کار و شکار فرصت‌های شغلی تربیت کند و از سوی دیگر نگران مسائل تربیتی نشود) ایجاد می‌کند که یک ساختار ارتباطی یا به تعبیر دیگر پل واسطی بین این دو گروه به وجود آید.

این پل ارتباطی می‌تواند به‌وسیله دولت از طریق مکانیسم‌هایی مانند تشکیل سازمان‌های نمایندگی شامل نمایندگان کارفرمایان و مدیران و متولیان آموزشی به وجود آید (خلاق، 1381). نمایش این پل ارتباطی در نمودار شماره 2 نشان داده شده است.



## روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی به شمار می‌رود. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. ابتدا مطالعاتی در زمینه مراکز فنی و حرفه‌ای، سیر تکمیلی مراکز فنی و حرفه‌ای، شیوه آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی صورت گرفت تا چارچوب نظری منسجمی به دست آمد. سپس با بررسی منابع داخلی و خارجی به دو متغیر اصلی تحقیق (بازار کار و آموزش مهارت‌ها) پرداخته شد. لازم به ذکر است؛ با توجه به کمبود پژوهش‌های داخلی و خارجی در زمینه رویکرد دوگانه آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در آموزش عالی، در این پژوهش بیشتر از روش تحلیل اطلاعات بهره گرفته شده است.

## یافته‌ها و بحث

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به صورت رسمی و غیررسمی در قالب آموزش‌های قبل از اشتغال و حین اشتغال در بیشتر کشورهای وجود دارند و حتی در برخی از کشورهای صاحبان صنایع و کارفرمایان نیز برای انجام برخی آموزش‌های مهارتی ملزم می‌شوند. به عنوان مثال، در کشور هندوستان مؤسسات آموزش صنعتی از 59 واحد در سال 1956 به 2447 واحد در سال 1992 و 3000 واحد در سال 1996 افزایش یافتند. این مراکز با اجرای برنامه‌های آموزشی در یک چارچوب زمانی 1 تا 2 ساله از نقش بالایی در تربیت صنعت گران برخوردار بوده‌اند (داش<sup>1</sup>، 2002). طی چهار دهه گذشته، تعداد انستیتوهای آموزشی صنعتی به طور مداوم در حال گسترش بوده‌اند. این مراکز، وظیفه آموزش دادن به جوانان بین 15-25 سال در 42 رشته مهندسی و 22 رشته غیر مهندسی را در یک دوره یک تا دو ساله به عهده داشته‌اند. کیفیت آموزشی این افراد بستگی به رشته‌ای داشت که برای آن آموزش می‌دیدند. تعداد این مراکز از حدود 59 موسسه در پایان برنامه اول در سال 1956 به 2447 موسسه در ابتدای برنامه هشتم در سال 1992 و حدود 3000 انستیتو در سال 1996 افزایش یافت و ظرفیت این انستیتوها به 425000 نفر افزایش یافته است.

مالزی نیز از جمله کشورهایی است که توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کنار برنامه‌های متنوع را در دستور کار خود قرار داده است و در این خصوص تنها به منابع داخلی بسنده ننموده، بلکه برای انتقال تکنولوژی به بخش صنعت، مؤسسات آموزشی فنی و حرفه‌ای مشترکی را با سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان در آن کشورها تأسیس نموده است. در پاسخ به این سؤال که چرا برخی از کشورها به ویژه در سطح کشورهای آسیایی در اجرای برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای موفق و برخی ناموفق بوده‌اند، می‌توان گفت که این پدیده به عوامل متعددی ارتباط داشته است (هک و هک<sup>2</sup>، 1998؛ به نقل از سلیمی فر و مرتضوی، 1384). از جمله این عوامل عبارت‌اند از:

- 1- عوامل اجتماعی: در بسیاری از کشورهای آسیایی نوعی نگرش منفی به کارهای مبتنی بر مهارت یا اصطلاحاً کارهای یدی که مبتنی بر دستورالعمل<sup>3</sup> می‌باشد، وجود دارد.
- 2- عوامل اقتصادی: سطح توسعه اقتصادی و ساختار صنعت و تنوع فعالیت‌ها در بخش‌های گوناگون اقتصادی در ایجاد نیاز به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مؤثر واقع می‌شوند. توجه به آموزش‌های آماده‌سازی جوانان برای کار از جمله خواسته‌ها و الزامات در بیشتر کشورها حتی در کشورهای توسعه یافته است.
- 3- دولت: از آنجاکه آموزش فنی و حرفه‌ای نسبت به آموزش‌های عمومی پرهزینه‌تر می‌باشند، لذا دولت‌ها از نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه این آموزش‌ها برخوردارند. این بدان معنی است که دولت‌ها می‌بایست در تخصیص منابع مالی توجه ویژه‌ای را به این آموزش‌ها معمول دارند. چراکه سرمایه‌گذاری نامناسب منتج به بازده مناسب نخواهد

1- Dash.

2- Haq & Haq.

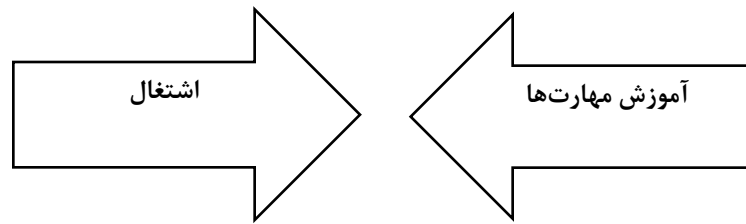
3. Manual Work.

شد<sup>۱</sup>. پر واضح است که توفیق در کسب دستاوردهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با اتکا به ادبیات موجود در گرو تعامل عوامل و متغیرهای بسیار زیادی است که حاصل آن سرمایه انسانی کارآفرین می‌باشد. نظر به غلبه رویکرد مشتری مداری در عصر حاضر ایجاب می‌نماید که از منظر فراگیران به‌عنوان اصلی‌ترین عنصر، اثربخشی مراکز فنی و حرفه‌ای مورد بازبینی قرار گیرد و شاخصه‌های آن موردسنجش و تحلیل واقع گردد. اما سؤال اصلی و مهم دیگر چرایی رویکرد دوگانه آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در کشورمان است. در اصل این سؤال خود به دو سؤال اصلی تقسیم می‌شود:

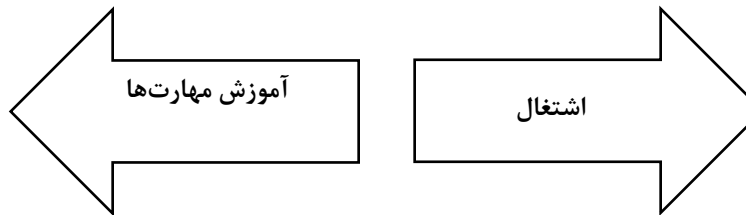
1- آیا آموزش‌های (مهارت‌های) ارائه‌شده به دانشجویان از کیفیت کافی برخوردار می‌باشد؟

2- آیا آموزش‌های (مهارت‌های) ارائه‌شده به دانشجویان متناسب با بازار کار است؟

در پاسخ به سؤال اول می‌توان گفت بر اساس آمار و ارقام‌های ارائه‌شده در تحقیقاتی از جمله (انتظاریان، طهماسبی، 1390)، آموزش‌های ارائه‌شده به دانشجویان از کیفیت مناسبی برخوردار نیست؛ چراکه هر روز بر بیکاری فارغ‌التحصیلان افزوده می‌شود. اما مسئله مهم دیگر که در دل سؤال 1 جای گرفته است ارتباط بین آموزش‌های ارائه‌شده از سوی مراکز فنی و حرفه‌ای به دانشجویان با اشتغال آن‌ها است. در صورتی که در حالت معقولانه بین این دو ارتباط دوسویه و نزدیک باید باشد (بر اساس شکل شماره 1)، اما در حال حاضر چیزی که شاهد آن هستیم ارائه شدن این آموزش‌ها به دانشجویان بر بیکاری آن‌ها افزوده است تا اشتغال (بر اساس شکل شماره 2).



شکل شماره 1: ارتباط مستقیم آموزش مهارت‌ها با اشتغال



شکل شماره 2: ارتباط غیرمستقیم آموزش مهارت‌ها با اشتغال

همان‌طور که از شکل شماره 1 می‌توان استنباط کرد ارائه آموزش مهارت‌ها به دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با اشتغال آن‌ها رابطه مستقیم و تنگاتنگی دارد. به بیان بهتر مؤسسات و مراکز فنی و حرفه‌ای در بخشی از فعالیت‌های

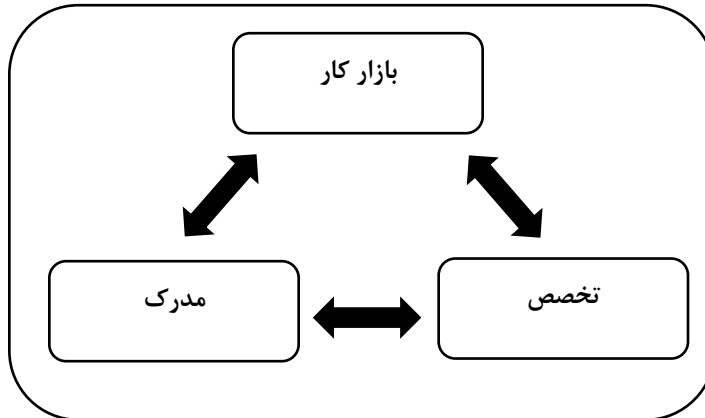
---

1- کشور ژاپن از جمله کشورهایی است که در آن دولت در ارتقا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌طور بسیار فعالی عمل می‌کند و این در حالی است که در این کشور بخش خصوصی نیز فعال می‌باشد ولی بدون کمک دولت امکان توسعه و تسری این آموزش‌ها ممکن نیست.



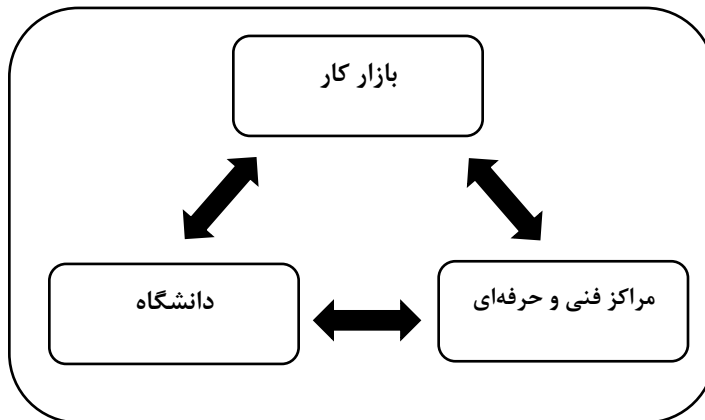
خود اقدام به ارائه آموزش‌های تخصصی به دانشجویان می‌کنند؛ این مؤسسات به شناسایی توانایی‌های و استعداد‌های دانشجویان و با ارائه آموزش‌های تخصصی مرتبط با رشته تحصیلی دانشجویان، آن‌ها را در حرفه‌ای متخصص ساخته و روانه بازار کار می‌کنند. بازار کاری که به این نوع تخصص‌ها نیاز داشته و درصدد بهره‌گیری از آن‌ها است. اما در این میان آمار و ارقام نشان می‌دهد که افرادی که مستقیماً تحت نظر این‌گونه مراکز و مؤسسات فنی و حرفه‌ای بودند نسبت به دانشجویان سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در کسب حرفه و اشتغال موفق عمل نموده‌اند. برای مثال می‌توان به تحقیق انتظاربان و طهماسبی (1390)، اشاره کرد. این دو محقق در بخشی از تحقیق خود به آمار 15/6 درصدی بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی اشاره و بیان می‌کنند سالانه یک میلیون نفر فارغ‌التحصیل در کشور متقاضی کار هستند. آمار نشان می‌دهد که 45 درصد بیکاران ایران را دانش‌آموختگان دانشگاهی تشکیل می‌دهند. همچنین بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال 85 حدود 2 میلیون و 600 هزار شغل تخصصی قابل دسترسی برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی وجود داشته که در مقابل، در سال‌های اخیر خروجی از دانشگاه‌ها بیش از حد انتظار بوده است. افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان و کمبود مشاغل مناسب، مشکلات زیادی را پدید آورده است. اکنون تعداد دانش‌آموختگان آموزش عالی که در جستجوی فرصت شغلی هستند حدود دو برابر سال 1385 است. بر اساس مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در میان دانش‌آموختگان، از 14/6 درصد در سال 85، به 15/6 درصد در سال 86 افزایش یافته است. بر اساس مطالعات انجام شده، جمعیت جوان و فعال کشور تا سال 1400 بالغ بر 61 میلیون نفر می‌شود. به عبارتی 2/5 درصد رشد افراد را جوانان فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها تشکیل خواهند داد. بنابراین دولت تا سال 1400، باید 29 میلیون فرصت شغلی ایجاد کند که نیمی از آن مربوط و متناسب با تحصیلات فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور باشد (انتظاربان، طهماسبی، 1390).

درحالی‌که آمار نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بالاست، فارغ‌التحصیلان مراکز مهارت‌آموزی با کم‌ترین نرخ بیکاری مواجه هستند. بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با تحصیلات آکادمیک و دانش تئوریک بالا ولی سطح مهارت و تخصص پایین، نشانگر این واقعیت است که بازار کار کشور بسیار هوشمند عمل می‌کند و به تخصص نیروی کار بیش از مدرک آن‌ها اهمیت می‌دهند (انتظاربان، طهماسبی، 1390). این عدم موفقیت دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را می‌توان از چند جهت از جمله کیفیت پایین آموزش‌های ارائه شده به دانشجویان از سوی دانشگاه‌ها، کمبود واحدهای عملی، کمبود واحدهای کار در سازمان، بی‌رغبتی دانشجویان به واحدهای تئوری، عدم استقبال دانشگاه‌ها و دانشجویان از مراکز فنی و حرفه‌ای در جهت فراگیری تخصص در رشته تحصیلی و... مورد بررسی قرار داد. بعد مهم دیگر ناکامی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در اشتغال، نسبت به هنرجویان مراکز فنی و حرفه‌ای را می‌توان در دو اصطلاح مدرک‌گرایی و تخصص‌گرایی بررسی کرد. همچنان که مشخص است در حال حاضر بازار کار بیشتر از مدرک به تخصص فارغ‌التحصیلان اهمیت می‌دهد. فارغ‌التحصیلان آموزش عالی که پس از گذراندن چند سال، مدرک رسمی از دانشگاه‌ها گرفته و بدون هیچ‌گونه تخصصی در کنار هنرجویان مراکز فنی و حرفه‌ای که پس از گذراندن دروس عملی و نظری خود قرار گرفته‌اند و در این شرایط بازار کار دست به انتخاب افراد متخصص می‌زنند. برای درک بهتر موضوع و ارتباط بین مدرک، تخصص و بازار کار می‌توان به شکل شماره 3 رجوع کرد.



شکل شماره 3: ارتباط بین مدرک، تخصص و بازار کار

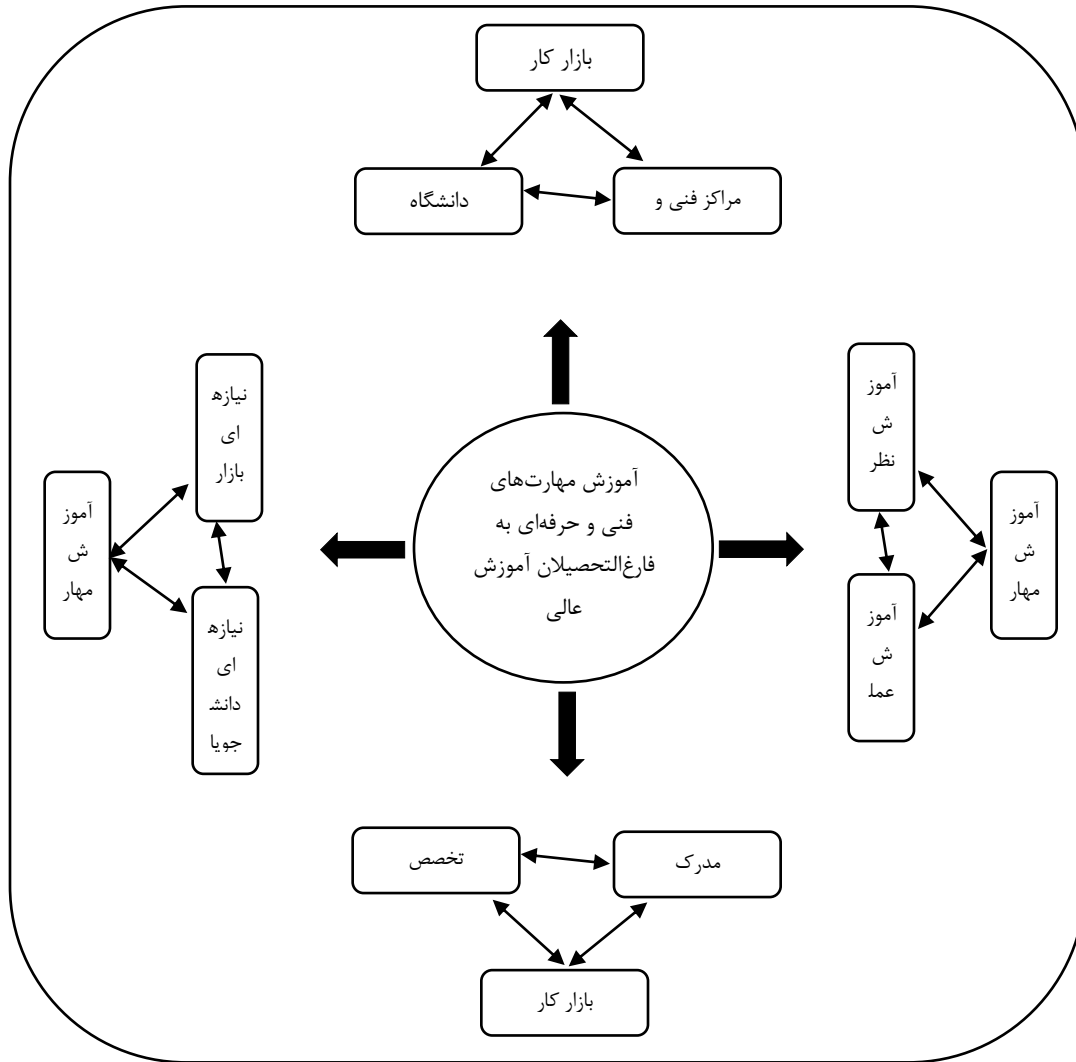
همان‌طور که شکل فوق نشان می‌دهد بازار کار با تخصص و مدرک ارتباط نزدیکی دارد. بدین ترتیب که فارغ‌التحصیلانی می‌توانند در بازار کار موفق عمل کنند که هم تحصیلات آکادمیک را گذرانده باشند و هم تخصص کسب کرده باشند. بهترین گزینه برای گذراندن تحصیلات آکادمیک، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و بهترین راه برای کسب تخصص، مراکز و مؤسسات فنی و حرفه‌ای می‌باشند. برای درک بهتر موضوع می‌توان به شکل شماره 4 رجوع کرد. شکل ارائه‌شده ارتباط دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، مؤسسات و مراکز فنی و حرفه‌ای و بازار کار را نشان می‌دهد. این چرخه زمانی کامل خواهد شد دانشگاه‌ها به‌عنوان مراکز هسته‌ای در آموزش مبانی و تئوری‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای به‌عنوان مراکز هسته‌ای آموزش مهارت‌ها با یکدیگر و نیز با نیازهای بازار کار ارتباط داشته تا از این طریق بتوانند فارغ‌التحصیلانی که روانه بازار کار می‌کنند هم از نظر مدرک و هم از نظر تخصص در سطح بالایی باشند.



شکل شماره 3: ارتباط بین دانشگاه، مراکز فنی و حرفه‌ای و بازار کار

رویکرد دوم مربوط به مسئله عدم تطابق میان آموزش‌های ارائه‌شده از سوی مراکز فنی و حرفه‌ای با نیازهای دانشجویان و بازار کار است. با توجه به آمار و ارقام ارائه‌شده بیکاری فارغ‌التحصیلان، درصدی از آن را می‌توان به آموزش‌هایی اختصاص داد که یا از کیفیت کافی برخوردار نبوده‌اند و یا آموزش‌های ارائه‌شده با نیازهای واقعی دانشجویان و بازار کار تطابق نداشت. به‌رحال دو مشکل مطرح‌شده فوق برمی‌گردد به دانشگاه‌ها و سازمان‌های فنی و حرفه‌ای؛ چراکه این مراکز با نیازسنجی می‌توانند ابتدا از نیازهای بازار کار اطلاع کامل کسب کرده و در ادامه با شناسایی توانایی و قابلیت‌های فارغ‌التحصیلان، آموزش‌های با کیفیت و هم‌راستا با نیازهای بازار کار ارائه دهند.

با توجه به یافته‌های تحقیق الگوی مفهومی را می‌توان بدین صورت ترسیم کرد:



شکل 4: الگوی مفهومی تحقیق

همان‌طور که الگوی مفهومی تحقیق نشان می‌دهد بازار کار و آموزش مهارت دو رکن اصلی و به بیان دقیق‌تر دو متغیر تحقیق را تشکیل می‌دهند. بازار کار با چهار عنصر مدرک، تخصص، مراکز فنی و حرفه‌ای و دانشگاه‌ها کامل می‌شود و آموزش مهارت‌ها با چهار عنصر آموزش‌های نظری، آموزش‌های عملی، نیازهای دانشجویان و نیازهای بازار کار تکمیل می‌شود. در توضیح الگوی مفهومی تحقیق می‌توان گفت مدرک در کنار تخصص و تخصص در کنار مدرک دو عنصر لازم و ملزوم یکدیگر برای موفقیت در بازار کار به شمار می‌روند. این دو عنصر در صورتی فارغ‌التحصیلان را در بازار کار به موفقیت می‌رسانند که مراکز فنی و حرفه‌ای و دانشگاه‌ها با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی برقرار کرده و با تعامل بتوانند با شناسایی قابلیت‌های دانشجویان، آن‌ها را به‌سوی فراگیری تخصص هدایت کنند. همچنین آموزش‌های نظری و عملی در کنار هم می‌توانند به کسب مهارت صحیح منجر شوند و این در صورتی امکان‌پذیر است که این آموزش‌ها با توجه به نیازهای دانشجویان و بازار کار انجام شوند.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در نظر داشت با بررسی رویکرد دوگانه آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در آموزش عالی به چرایی وجود این رویکرد و کشف عوامل مهم در ایجاد این رویکرد بپردازد. با بررسی ادبیات تحقیق مشخص شد درصد بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان آموزش عالی با مدرک آکادمیک بیشتر از هنرجویانی است که یا مستقیماً زیر نظر مراکز فنی و حرفه‌ای به کسب تخصص مشغول هستند و یا افرادی که پس از فارغ‌التحصیلی از آموزش عالی به این مراکز مراجعه و آموزش‌های عملی را در جهت تکمیل آموزش‌های نظری فرا گرفته شده در دانشگاه‌ها را تکمیل می‌کنند. همچنین با بررسی مبانی نظری تحقیق دو عنصر مهم تحقیق یعنی بازار کار و آموزش مهارت‌ها مشخص شد. بازار کار متشکل از چهارعنصر مدرک، تخصص، دانشگاه و مراکز فنی و حرفه‌ای و آموزش مهارت‌ها متشکل از چهارعنصر آموزش‌های نظری، آموزش‌های عملی، نیازهای دانشجویان و نیازهای بازار کار بود.

در ادامه با تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده در این حوزه، مشخص شد بازار کار ارتباط تنگاتنگی با مدرک و تخصص دارد. به بیان دقیق‌تر بازار کار هم به مدرک آکادمیک که شامل آموزش‌های نظری از سوی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کسب می‌شود نیاز دارد و هم به تخصص که شامل آموزش‌های عملی از سوی مراکز فنی و حرفه‌ای می‌باشد. در این میان ارتباط ضعیف میان دانشگاه‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای عامل مهم دیگر در بیکاری و تخصص‌های موردنیاز بازار کار است. چراکه اگر دانشگاه‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای با یکدیگر ارتباط داشته باشند می‌توانند با نیازسنجی از تخصص‌های موردنیاز بازار کار و نیز شناسایی قابلیت‌ها و استعدادهای دانشجویان، آن‌ها در کسب تخصص‌ها یاری رسانند.

## منابع

- آیین‌نامه آموزشی (1379).
- انتظاریان، ناهید، طهماسبی، طاهره (1390). بررسی میزان هماهنگی و انطباق نظام آموزش عالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار. ماهنامه کار و جامعه، شماره 140، صص 59-71.
- سلیمی فر، مصطفی، مرتضوی، سعید (1384). سرمایه انسانی و کارآفرینی در رویکرد فنی و حرفه‌ای (مورد مطالعاتی خراسان). مجله دانش و توسعه، شماره 17، صص 11-22.
- خلاق، علی‌اصغر (1382). ویژگی‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا؛ درس‌هایی برای اصلاح آموزش فنی و حرفه‌ای ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، سال دوم شماره 5 - موسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- خلاق، علی‌اصغر (1381). الگوهای ارتباط بین مراکز آموزشی و محیط کار. فصلنامه علمی - پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، سال اول شماره 2 - موسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- Prarvin Visaria (2003). Unemployment Among Youth in India, ILO.
- World Bank, (2001), David and Others, From Natural Resource to the Knowledge Economy, Washington D.C.
- Dash Prasanna Kumar (2002). Youth in India, Education and Training of Rural Youth, APO.